

«اخلاق زناشویی» در شاهنامه فردوسی و

بررسی ریشه‌های آن در متون کهن

محمد نوید بازرگان^۱

مریم خادم ازغدی^۲



تاریخ دریافت: ۹۲/۲/۵

تاریخ پذیرش: ۹۲/۹/۲۲

چکیده

در این مقاله که به موضوع «اخلاق زناشویی در شاهنامه‌ی فردوسی و متون پیش از آن» پرداخته شده، کوشش گردیده است با آوردن شواهدی از اوستا، متون میانه و نیز شاهنامه و نقل قول برخی صاحب‌نظران در این باره، میزان تأکید این متون بر مقولات اخلاقی نظیر سازگاری، راست‌منشی، مهرورزی، نیک رفتاری، وفاداری، تعهد، رعایت احترام متقابل، پاکدامنی، پرهیزگاری، بی‌ریایی و... در زندگی زناشویی، مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد.

کلید واژه: شاهنامه. پیمان زناشویی. اخلاق زناشویی. اخلاق زن. اخلاق مرد، اخلاق زناشویی

در ایران باستان.

۱- استادیار و عضو هیأت علمی گروه زبان و ادبیات فارسی-دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن.

۲- دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، گروه زبان و ادبیات فارسی، رودهن، ایران، m.khadem470@yahoo.com

زمانه به تناسب (او را) خوب (و) به آزم دارم...» (جاماسب آسانا، ۱۷۳، ۱۳۷۱ و ۱۷۴) بدین ترتیب، نو عروس، در هنگام بستن پیمان زناشویی، عهد می‌کند که: «بی‌گمان من او را که برای همکاران و خویشاوندان، به پدری و سروری گمارده شده است، بر خواهم گزید و بدو مهر خواهم ورزید. [باشد که] در زندگانی، فروغ «منش نیک»، بر من بتابد و اَشَوْنَ^۱ زنی باشم در میان اَشَوْنَان و «مزدا اهوره»، همواره [آموزش‌های] دین نیک را به من ارزانی دارد.» (اوستا، ۴، ۸۶، ۱۳۸۷)

همچنین در کتاب «صد در بندهش»، درباره‌ی لزوم تعهد مرد نسبت به پیمان زناشویی، این‌گونه آمده:

«(۱۶) و چون کسی زنی بخواهد و دست پیمان کند، بعد از آن نشاید که آن پیمان بشکند. (۱۷) هر وقت که آن زن را بدان معنی، غمی به دل رسد، او را گناه باشد، بادفراه به روان رسد و مهر دُرَج خوانند.» (دابار، ۱۹۰۹، ۱۰۲، باب ۳۴)

در قباله‌ی نکاحی هم که از دوره یزدگرد سوم به یادگار باقی مانده، شوهر، عهد می‌بندد که در حق زنش تا روزی که هر دو زنده‌اند، به احترام و تکریم تمام، [گرامیک gramik] رفتار کند. مرد می‌بایست نگهدار و پشتیبان و غمخوار زنش باشد، می‌بایست به زنش، پندار نیک، گفتار نیک و کردار نیک بیاموزد و درس اخلاق و مذهب راستین به او بدهد؛ زیرا مرد، در پیشگاه خدا، مسؤول زن است. (مظاهری، ۱۱۴، ۱۳۷۳)

کریستن سن نیز این مسؤولیت را مورد تأیید قرار می‌دهد:

«پس از عقد ازدواج، اجر اعمال خیر زن، متوجه شوهرش می‌شود.» (کریستن سن، ۳۲۶، ۱۳۸۴)

از دیگر متون ارزشمند گذشته که به مقوله‌ی اخلاق زناشویی، توجه ویژه دارد، «ارداویراف نامه» است. به طوری که ۱۶ فرگرد از ۱۰۱ فرگرد آن، درباره خانواده،

چو سوداوه، پوشیدگان را بدید
 به تن، جامه‌ی خسروی بر درید
 به مشکین کمند اندر آویخت چنگ
 به فندق دو گل را به خون داد رنگ
 ...فرستادگان را سگان کرد نام
 سمن کرد پر خون از آن ننگ و نام
 (فردوسی، همانجا، صص ۷۸ و ۷۹، ب ۱۶۶-۱۷۴)

پس از کشته شدن سیاوش، فرنگیس به آواز بلند، پدر را نفرین می‌کند و چندان
 وی را می‌نکوهد که شاه توران به قتل وی فرمان می‌دهد:

سرِ ماه رویان، گسسته کمند
 خراشیده روی و بمانده نژند
 به آواز بر جان افراسیاب
 بنفرید با نرگس و گل پر آب
 خروشش به نزد سپهد رسید
 چو آن ناله‌ی زار و نفرین شنید
 به گرسیوز بد نهان، شاه گفت
 که این را به کوی آورید از نهفت
 ز پرده به درگه بریدش کشان
 بر روزبانان و مردم کشان
 بدان تا بگیرند موی سرش
 بدژند بر تن، همه چادرش
 زنندش همی چوب تا تخم کین
 بریزد برین بوم از ایران زمین
 نخواهم ز بیخ سیاوش درخت
 نه شاخ و نه برگ و نه تاج و نه تخت
 (همانجا، ص ۳۵۹، ب ۲۲۹۹-۲۳۰۶)

اگر چه در شاهنامه بر این مسأله، بسیار تأکید می‌شود، اما در بعضی متون، از جمله
 «ویس و رامین»، توجه به این موضوع، بسیار کم‌رنگ است؛ زیرا همان گونه که دکتر
 مزدپور درباره‌ی این منظومه می‌گوید:

«نه دایه‌ی جادوگر ویس - که در پدید آمدن رابطه‌ی عاشق و معشوق دخالت
 دارد - نه ویس و نه شهر، هیچ کدام، پابند قواعد اخلاقی مانوس ما و یا حتی رسم
 تک شوهری نیستند؛ چرا که اخلاق جنسی موصوف در «ویس و رامین»، به جای
 ارزش نهادن بر عفت و وفاداری، «عشق» را عزت - می‌نهد.» (مزدپور، همان، ۱۱۹)

می‌بینیم. به عنوان مثال، در نامه‌های خسرو پرویز می‌خوانیم:

بهترین زن، آن است که پیوسته در اندیشه عشق و محبت به مرد باشد. (کریستن

سن، همان، ۴۹۶)

آذرگشسب در تفسیر «زن پارسا» از نظرگاه خرده اوستا می‌گوید:

در این کتاب مقدس، به زن پارسایی درود فرستاده شده که در اندیشه و گفتار و کردار، راست و پاک بوده؛ از راه علم و دانش، احترامی بدست آورده و نسبت به شوهر، صمیمی و فداکار باشد. (آذرگشسب، ۴، ۱۳۴۵)

همچنین در یسنه، هات ۵۳، بند سه از قول زرتشت خطاب به دخترش، با این

تأکید روبرو می‌شویم:

«و توای پُوروچیستای هچتسپی سپیتمانی! ای جوان‌ترین دختر زرتشت! مزدا، آن کس را که به «منش نیک» و «آشه» (راستی و پارسایی)، سخت باور است، به انبازی [زندگی] به تو می‌بخشد.» (اوستا، همان، ۳، ۸۵)

اصول اخلاقی «مرد» در شاهنامه فردوسی و متون کهن:

به طور مسلم، مرد نیز در مقابل زن، تکالیفی به عهده دارد. می‌بایست زنش را دوست بدارد، گرمی و ارجمند انگارد و نیکوترین احساساتی را که می‌توان در حق همسر داشت، نسبت به وی ابراز نماید.

نمونه‌ی این گونه برخورد در حماسه فردوسی، مهرباب است که با سی - دخت (سیندخت)، همسر سرشار از هوش و فراست خود، رفتاری همراه با اکرام و التفات دارد. (فردوسی، همان، ج ۱، ص ۱۸۶، ب ۳۳۷؛ همانجا، ص ۲۱۵، ب ۷۶۱-۷۶۳؛ همانجا، ص ۲۱۸، ب ۸۰۵؛ همانجا، ص ۲۱۹، ب ۸۱۶ و ۸۱۹-۸۲۴)

در خرده اوستا نیز آمده: «جوان نیک اندیش، نیک گفتار، نیک کردار و آشون پاک،

ردِ پاکی را می‌ستاییم.» (اوستا، همان، ۸، ۶۲۳)

نتایج بحث

اما نتایج حاصل از مقایسه این موضوع در متون مذکور عبارتند از:

۱- شاهنامه در مبحث اخلاق «زن» در زندگی زناشویی، بیش از هر چیز بر وفاداری و فداکاری و همراهی زن نسبت به مرد تأکید می‌کند. در ایران باستان نیز گویا وفاداری پانته آ، همسر آبراداتاس، در زمان کوروش هخامنشی زبازد بوده است. «اوستا» بر مهر و محبت زن نسبت به مرد، منش نیک، پرهیزگاری، اشون و فرمانبردار شوی بودن تأکید می‌کند. در میان متون میانه نیز «مینوی خرد»، اخلاق نیک زن را مورد توجه قرار می‌دهد. در «نامه‌های خسرو پرویز»- که از دوران ساسانی باقی مانده- نیز بر این موارد تأکید شده است.

۲- شاهنامه همچنین احترام گزاردن مرد به زن را در زندگی زناشویی ضروری می‌داند. «اوستا» نیز بر نیک اندیشی، نیک گفتاری و نیک کرداری مرد نسبت به زن تأکید می‌کند. «صد در بندهش»، تعهد مرد بر پایندی به پیمان زناشویی و «پیمان کدخدایی»، درست اندیشی و راست منشی را مهم می‌انگارند.

۳- در «اوستا» و «اندرز گواه گیران»، همچنین بر پرهیزگاری زن و مرد در زندگی زناشویی تأکید شده و نتیجه آن، پاکی نژاد و توانایی باروری ذکر شده است. «ارداویراف نامه» نیز به طور کلی، بر احترام، عفت، حرمت، تمکین و اطاعت در زندگی زناشویی تأکید می‌ورزد.

۴- نکته قابل توجه این است که «اخلاق زناشویی» در شاهنامه فردوسی، به طور غیر مستقیم ذکر شده است؛ بدین معنی که به توصیه صریحی در این باره بر نخوردم؛ اما متون کهن، به طور مستقیم، باید‌ها و نباید‌هایی را در این باره مطرح می‌کنند. از این رو به نظر می‌رسد که شاهنامه در این باب، بیش از آن که به اخلاق دینی توجه داشته باشد، اخلاق انسانی را مد نظر قرار می‌دهد.

بدین ترتیب، رعایت همه جانبه‌ی اخلاق و رفتار نیک و شایسته در زندگی زناشویی، هم در شاهنامه و هم در متون پیش از آن، مورد تأکید و توجه قرار گرفته است و اگر چه بیشترین تمرکز در شاهنامه و این متون، بر اخلاق «زن» در زندگی زناشویی است؛ اما در عین حال، زن و مرد، هر دو، ملزم به رعایت اصول اخلاقیِ مدوئی در زندگی مشترک هستند.

فهرست منابع

۱. آذر گشسب، اردشیر، ۱۳۴۵، آیین زناشویی زرتشتیان، [تهران]، کانون زرتشتیان شریف آباد یزد مقیم مرکز.
۲. ارداویراف نامه، یا، بهشت و دوزخ در آیین مزدیسنی، ۱۳۷۲، شامل پیشگفتار، ترجمه‌ی فارسی، متن پهلوی، واژه نامه از رحیم عفیفی، تهران، انتشارات طوس.
۳. اوستا: کهن ترین سرودها و متن‌های ایرانی، ۱۳۸۷، گزارش و پژوهش جلیل دوستخواه، تهران، مروارید.
۴. بویس، مری، ۱۳۷۶، تاریخ کیش زرتشت، ج ۱، ترجمه‌ی همایون صنعتی زاده، تهران، نشر توس.
۵. پیرنیا (مشیر الدوله سابق)، حسن، ۱۳۶۶، ایران باستان یا تاریخ مفصل ایران قدیم، ج ۳، تهران، دنیای کتاب.
۶. جاماسب آسانا، جاماسب جی دستور منوچهر جی، ۱۳۷۱، متون پهلوی، ترجمه، آوانوشت و گزارش سعید عریان، تهران، کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
۷. دابار، بهمن جی نوسروانجی، ۱۹۰۹، صد در نثر صد در بندهش، بمبئی، [بی تا].
۸. شاهرخ، کیخسرو، ۱۳۳۷، آیین مزدیسنا، [بی جا]، [بی تا].
۹. فردوسی، ابوالقاسم، ۱۳۸۹، شاهنامه، به تصحیح جلال خالقی مطلق، تهران، انتشارات دایرة المعارف بزرگ اسلامی.
۱۰. کاتراک ام، هیرید جمشید کاووس، ۱۳۴۲، زناشویی در ایران باستان، ترجمه موبد رستم شهزادی، تهران، انتشارات انجمن زرتشتیان تهران.
۱۱. کریستن سن، آرتور امانوئل، ۱۳۸۴، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه‌ی رشید یاسمی، تهران، مؤسسه انتشارات نگاه.
۱۲. مزداپور، کتابیون، ۱۳۵۴، «نشانه‌های زن سروری در چند ازدواج داستانی در شاهنامه»، مجله فرهنگ و زندگی، شماره‌ی ۱۹ و ۲۰.

